

نظارت مردم، رهبر و نهادهای حکومتی بر نظام اسلامی

نویسنده: مظاهر غفاری

ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

www.haghgostar.ir

info@haghgostar.ir

چکیده

نظارت امری اساسی، مهم و شاه‌رگ حیاتی هر جامعه‌ای است و رابطه‌ی نظارت و جامعه مثل رابطه‌ی پرتو های خود با منبع آن است. اگر نظارت از جامعه‌ای رخت بر بندد آن جامعه دچار تزلزل شده و هرج و مرج و نابسامانی به جای امنیت و آسایش می‌نشیند لذا مناسب است نظارت‌ها به نحوی صورت‌گیری که تامین‌کننده اهداف جامعه در جنبه‌های مختلف باشد.

در این نوشتار با نگاهی به امر نظارت و اهمیت آن، انواع نظارت در نظام اسلامی مورد بررسی واقع شده است و همانگونه که از عنوان آن پیداست، بر سه محور نظارت رهبری، مردمی و نمادهای حکومتی بحث گردیده است.

مقدمه

در عصر حاضر بدلیل پیشرفت و گسترش جوامع در جنبه های مختلف ، اهمیت مسئله نظارت به خوبی آشکار است و در نظام های سیاسی پیچیده امروز، نظارت امری ضروری و گریز ناپذیر است . نظارت از طریق قانون مبنای نظم اجتماعی است ، البته نوع نظارت و نظام آن در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است، نظارت باید با در نظر گرفتن نظام سیاسی حاکم، فرهنگ و شرایط اجتماعی جامعه باشد و اگر این اصول رعایت نشود، نتیجه مطلوب نخواهد بود. در شرع مقدس اسلام نیز بحث نظارت در اشکال مختلف قابل مشاهده است . اسلام بالاترین نظارت را نظارت رب تعالی می داند.^۱ و همچنین بر نظارت فردی یا خود کنترلی^۲ و نظارت همگانی^۳ هم اهمیت فراوانی می دهد.

در این نوشته تلاش شده است که بیان شود در نظام اسلامی چه سازوکارهایی برای اعمال نظارت پیش بینی شده است . و با ذکر انواع نظارت اسلامی که شامل نظارت رهبری، نظارت مردمی و نظارت نهادهای حکومتی است، به این مهم پرداخته است . البته برای این موضوع در ابتدا به مفهوم نظارت ، ثمرات و پیشینه ی آن هم اشاراتی شده است .

۱- انعام آیه ۵۹

۲- بقره آیه ۴۴

۳- توبه آیه ۷۱ و آل عمران آیه ۱۰۴ و ۱۱۴

نظارت

– تعریف لغوی و اصطلاحی

نظارت در زبان فارسی به معنای واریسی ، تفتیش و مراقبت نسبت به اجرای امری است و معادل انگلیسی آن control است .

نظارت در اصطلاح به ابزارها و روش هایی اطلاق می شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه گفته می شود.

نظارت در علم مدیریت ، مجموعه ی کارهایی است که برای رسیدن به حداکثر کارآیی و اثر بخشی و جلوگیری از فساد انجام می شود. به عبارت دیگر نظارت نوعی جهت دهی به اصول و مبانی تعیین شده برای اهداف است . برای انجام نظارت مقدمات و پیش فرض هایی لازم است که از دو تعریف فوق مستفاد می گردد.

۱. نظارت در صورتی ممکن است که انتظارات و هنجارها معین باشد زیرا که در دو تعریف یاد شده ، غایت نظارت سوق دهی فرد به سمت اصول و مبانی تعیین شده یا انطباق با انتظارات بیان شده است بنابراین پیش از نظارت ابتدا باید اصول و مبانی یا به عبارت دیگر هدف تعیین شده ای باشد تا با انجام نظارت فرد به آن سو ، سوق داده شود.

۲. در تعریف نظارت بیان شد که نظارت مجموعه اعمال ، کارها، روش ها و ابزارهاست بنابراین برای اعمال نظارت باید سازوکاری مشخص و معین شود، این پیش فرض به چگونگی اعمال نظارت بر می گردد ، نحوه ی اعمال نظارت در جوامع مختلف با توجه به ویژگی جامعه ، ویژگی های نظام سیاسی و اهداف و انتظارات متفاوت است . در نظام اسلامی نیز با توجه به دیدگاه ویژه ای که نسبت به انسان و جامعه انسان دارد، همانگونه که بیان خواهد شد – سازوکارهای خاصی برای اعمال نظارت در نظر گرفته شده است . بنابراین دومین پیش فرض و مقدمه ی مورد نیاز برای اعمال نظارت تعریف نحوه ی نظارت است .

ثمرات نظارت

از دو تعریف یاد شده ، می توان ضرورت امر نظارت را در سه چیز دانست :

۱- پایبندی به اهداف و جلوگیری از انحراف از آنها : همانطور که در قسمت اخیر گذشت ، یکی از مقدمات امر نظارت معین کردن اهداف، انتظارات و اصولی است که جامعه دارد، بنابراین یکی از ثمرات نظارت می تواند حرکت به سمت این اصول و مبانی و عدم کجروی از آنها باشد و اصولاً هدف اصلی هر نظارتی همان نیل به اهداف و دور نشدن از اصول است.

۲- ایجاد همنوایی در اجتماع : با انجام نظارت ، هدف واحدی پیش روی اجتماع قرار می گیرد که همه ی اجتماع در رسیدن هب این هدف (که همان اصول و مبانی است) همنوا می گردند.

۳- پیشبرد بهتر امور : از دیگر ثمرات نظارت می توان سرعت در پیشرفت امور ار ذکر کرد . اگر همه ی اجتماع در جهت اهداف و انتظارات پیش بروند و از آنها عدول نکنند و در رسیده به این اهداف همنوایی ایجاد شود، امور در جامعه بهتر پیش می روند و روند پیشرفت امور سرعت بیشتری خواهد یافت . البته موارد مذکور خبر با نظارت دقیق میسر نخواهد بود.

پیشینه نظارت :

قدمت نظارت به اندازه ی زندگی اجتماعی بشر است . پس از شکل گیری ابتدایی ترین اجتماع ها و نظام های اجتماعی ، نظارت هم ایجاد گشت زیرا که انسان ها همواره برای رسیدن اهداف خود، نظارت بر امور را لازم می دانستند . البته نوع نظارت با پیچیده شدن نظام های اجتماعی ، تفاوت کرده است و هم اکنون در نظام های سیاسی ، نظارت امری حیاتی و لازم گشته است و بدون نظارت نمی توان به اهداف مورد نظر دست یافت . در دوران باستان هم نظارت به انحاء مختلف در نظام های سیاسی وجود داشته است . در ایران باستان در حکومت داریوش ، نظارت امری مهم بوده و از تمام جنبه های مدیریتی و سازمان های اداری داریوش ، نظام بازرسی و کنترل آن هنوز هم ارزشمند است و اگر خواننده ای نداند که این نظام مربوط به ۲۵۰۰ سال پیش است ، ممکن است آن را بسیار مدرن و امروزی بداند، این نظارت با پیشرفت

جوامع در عصر حاضر تا جایی رسیده است که بدون وجود نظارت در یک نظام سیاسی ، رسیدن به اهداف غیر ممکن بنظر می رسد.

انواع نظارت در نظام اسلامی

– جایگاه مردم در نظام اسلامی:

در نظام سیاسی اسلام ناب، وسایل و سازوکارهای بسیاری برای اعمال بعد «حاکمیت مردم» وجود دارد که به کمک آن ها می توان خواسته های ملت را به طرق مستقیم و غیر مستقیم بیان کرد از این رو نمایندگان قانون گذاری، مدیران اجرایی و داوری که به وسیله ی مردم انتخاب می شوند در مورد اعمال خویش در برابر مردم مسئول هستند البته اصل حاکمیت مردم مستلزم این است که نمایندگان در مورد بسیاری از امور با مردم مشورت کنند اما امام خمینی (ره) جایگاه مردم در نظام و حکومت اسلامی را بسیار بالاتر از مشورت دهی و مشورت گیری می داند و می گوید: «این همان جمهوری است که تمام امور آن در همه ی مراحل حتی رهبری آن بر اساس آزادی مردم بنا شده است . این نقش برای مردم بالاتر از مشاوره است چه اینکه مشاوره با استقلال رهبر و امام منافات ندارد، ولی دراین نظریه، مردم در عرض رهبر و شریک او هستند که طبعاً اذن و رضای هر دو معتبر است .^۱»

در مورد نظارت در نظام اسلامی می توان باتوجه به عنوان این نوشتار این نظارت را بر سه قسم دانست . الف نظارت مردم بر نظام اسلامی ب – نظارت رهبری بر نظام اسلامی ج – نظارت نهادهای حکومتی بر نظام اسلامی. حال در مورد هر یک از این انواع با نگاهی به حکومت پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و همچنین بررسی این انواع، در نظام جمهوری اسلامی ایران به بحث می پردازیم .

الف – نقش نظارتی مردم بر نظام اسلامی

در نظام اسلامی نیرومند ترین اهرم کنترل قدرت و حفظ نظام ، نظارت عمومی است که بر عهده ی مردم نهاده شده است. اصل اسلامی نظارت عمومی و همه مسئول بودن و وظیفه ی همگانی و متقابل دعوت به خیر و امر به معروف و نهی

۱- صحیفه ی نور ، ج ۴ ، ص ۱۹۰

از منکر که بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به دولت است، به دولت و نظام آن توانایی را می بخشد که به صورت مداوم سطح آگاهی مردم، کارآیی و قدرت کنترل داخلی را تا آن حد بالا ببرد که قدرت به فساد کشیده نشود.^۱ در سامانه ی نظارت اسلام مسئله ی کنترل بر سازمان و عملکرد و کارآیی و کارآمدی کارکنان، تنها در چهار چوب وظایف و اختیارات مدیران و مسئولان سازمانها و حاکمان خلاصه نمی شود، بلکه همه موظفند بر اساس یک وظیفه ی شرعی بر عملکرد دیگر سازمانها و شهروندان نظارت داشته باشد. در دین اسلام بر این زمینه تاکید فراوان شده است، خداوند متعال می فرماید: «شما بهترین امتی بوده اید که برای انسان ها پدیدار شده اید(چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.»^۲ امام علی (ع) در حدیثی می فرماید «اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره است در مقابل دریای پهناور»^۳ و همچنین می فرماید: «غایه الدین الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»^۴

نقش نظارتی مردم در حکومت نبوی و علوی^۵

دو وظیفه ی مهم امر به معروف و نهی از منکر که در معارف اسلامی به صورت گسترده مورد عنایت و تاکید واقع شده است و در حقیقت همان نظارت به مفهوم عام و فراگیری است. در همین راستا پیامبر اکرم صلی علیه و آله فرموده اند: «ثلاث لا یغل علیهن قلب امرء مسلم، اخلاص العمل لله، و النصیحه الائمة المسلین و اللزوم لجاعتهم»^۶ سه وظیفه است که قلب انسان مسلمان هرگز در آن خیانت روا نخواهد داشت: اینکه کار ها را برای خدا انجام دهد همواره خیر خواه و ناصح زمامداران مسلمان باشد و جماعت مسلمانان را هرگز رها نکند.

۱- عمید زنجانی عباسعلی، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجد، ص ۷۶

۲- آل عمران، ۱۱۰

۳- غررالحکم، نقل از عبدالله سروش، حکمت و معیشت، ج ۱، ص ۲۶۵

۴- ابن اعثم کوفی، فتوح، ج ۵، الاعلامی. ص ۴۴

۵- بر مطالعه بیشتر ر. ک به: اخوان کاظمی بهرام، نظارت بیرونی در نظام های سیاسی، حکومت اسلامی سال نهم، شماره سوم. ص ۱۱۸

۵- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف المطبوعات، ج ۵، ص ۱۶۱

در دوران حکومت امام علی (ع) آن امام همام به این نظارت توجه فراوان می کردند و به گزارش های واصله ی مدرمی توجه می کرده و حتی بر حسب آنان، با برخی از والیان و کارگزاران بر خورد عتاب آمیز می کردند. (مانند برخورد امام با ابن عباس در قضیه گزارش بی مهری وی به قبیله بنی تمیم)^۱

امام علی علیه السلام حکومت، امارت و بیت المال را امانت مسلمانان در دست حاکم اسلامی می دانستند و در زمان خلافت خود نیز عملاً به این سیره عمل می نمودند. ایشان در نامه ای به رفاعه بن شداد می نویسد: «ای رفاعه! این مقام حکومت امانت است و هر کس نسبت به آن خیانت ورزد لعنت خدا تا روز جزا بر او باد . . .»^۲

یا در عهد نامه ی امام علی (ع) از زبان پیامبر (ص) می خوانیم: «کارهای مردم اصلاح نمی شود مگر به اصلاح اشخاصی که از آنان در کارهایشان استعانت می کنند و برای انجام مسئولیت ها آنان را استخدام می نمایند که در غیاب آنان کار انجام دهند پس برای تولی اعمال اهل ورع، علم و سیاست را انتخاب کن و خود را به صاحبان عقول و تجربه نزدیک ساز . . .»^۳

– نظارت مردم بر نظام جمهوری اسلامی ایران

نقش نظارت عمومی در مسئولیت متقابل همه مردم در برابر یکدیگر و در برابر دولت از ممیزات و خصایص ویژه نظام جمهوری اسلامی است.

اصل هشتم قانون اساسی در این زمینه بیان می کند: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

۱- میرزا علی احمد میانجی، لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی، قم نشر برگزیده، ص ۳۳

۲- ابن الاثیر، اسدالغابه، ج ۲، بیروت دارا حیاء التراث العربی، ص ۳۰۹

۳- نهج البلاغه، صبحی، حکمت ۲۵۲

نظام جمهوری اسلامی در راستای همین اصل، سازوکارهایی را برای ایفای نقش نظارتی مردم بر نظام، در نظر گرفته است. مهمترین و گسترده ترین نظارت مدنی که در جمهوری اسلامی ایران اعمال می شود از طریق شوراهای اسلامی شهر و روستاست.^۱ در این سیستم نظارتی نمایندگان مردم در شوراهای اسلامی شهر و روستا، ضمن انتخاب شهردار و دهیار، امور مربوط به شهرداری و دهیاری و عملکرد مسئولین شهر و روستا را مورد نظارت قرار می دهند. علاوه بر نظارت مذکور، قانون اساسی حقوق بنیادین متعددی را برای ملت قائل شده است. که می تواند به عنوان اهرم نظارت مردم بر نظام مورد استفاده قرار گیرد.^۲ از جمله این حقوق می توان اشاره کرد به:

الف - مطبوعات و رسانه های گروهی

(اصل ۲۴) این اصل بیان می دارد که «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد، تفصیل آن را قانون معین می کند.» یکی از دلایل آزادی مطبوعات این است که مردم بتوانند در خواستها و انتظارات خود را از این طریق بیان کند، بنابراین یکی از راههای انتقاد از حکومت و کارگزاران بیان اندیشه ها در مطبوعات و رسانه های گروهی است و مردم می توانند نظارت خود را از این طریق اعمال کنند.

ب - احزاب و تشکیلات سیاسی.

اصل ۲۶ ق. ۱. بیان می کند: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» این اصل مبتنی بر این است که افراد بتوانند آزادانه دور هم گرد آمده و با تشکیل جمعیتی، مساعی خود را به صورت گروهی و مستمر برای نیل به یک هدف معنوی و یا غیر آن به کار بیندازند.^۳

۱- ر. ک به: علیخانی علی اکبر، نظارت بر نظام جمهوری اسلام ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۲۳ پاییز ۱۳۸۳

۲- ایمانی عباس و قطمیری امیررضا، قانون اساسی در نظام حقوق ایران، انتشارات نامه هستی (۱۳۸۸) ص ۶۶

۳- طباطبایی مومنی، آزادیهای عمومی و حقوقی بشر، ص ۹۸

بنابراین عموم مردم می توانند با شرکت در احزاب و گروه ها و تشکیل جمعیت ها و انجمن ها نقش نظارتی خود را ایفا کنند.

ج - اجتماعات و راهپیمایی ها:

اصل ۲۷ ق ۱۰ بیان می دارد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است»

آزادی تجمع یعنی جمع شدن موقتی گروهی از افراد جامعه به منظور تبادل افکار و یا دفاع از منابع گروهی و صنفی و حزبی و یا تظاهرات خیابانی مسالمت آمیز به قصد سیاسی

طبیعتاً اگر تشکیل گروه و حزب و شرکت در آنها آزاد باشد باید این گروه ها بتوانند نقش نظارتی خود را ایفا کنند، یکی از اهرم ها برای ایفای این نظارت در ابتدا آزادی تشکیل و شرکت در این گروه ها می باشد که مورد بحث قرار گرفت . این گروه ها برای رساندن صدای خود و اعلام نظرات و یا به عبارت دیگر انعکاس نظارت عمومی مردم (یعنی امر به معروف و نهی از منکر) از راه های مختلفی استفاده می کند که یکی از این راه ها می تواند شکل دهی تجمعات و راهپیمایی ها باشد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بر این پایه، این حق را اعطا کرده است .

همچنین نهادهای مدنی دیگری هم هستند که در موضوع نظارت نقش دارند هر چند تعدادشان اندک است و فقط قانون وکلا و سازمان نظام پزشکی در حیطه ی های تخصصی خود نظارتهایی اعمال می کنند.

بنابراین با توجه به روشهایی که قانونگذار در نظام جمهوری اسلامی برای اعمال نظارت مردم ، در نظر گرفته است و با عنایت به مباحث گذشته می توان سخن برخی از صاحب نظران را نقد کرد که گفته اند: «دولت جمهوری اسلامی ایران

تاکنون به طور رسمی اقدام چشمگیری که متناسب با اصل هشتم قانون اساسی باشد نکرده است.»^۱

۱- عمید زنجانی عباسعلی، همان ، ص ۷۹

جایگاه رهبری در نظام اسلامی :

رهبری یکی از پایه ها و اصول اساسی و عنصری از عناصر اسلام است که مسلمانان بر ضرورت وجود آن اتفاق دارند. زیرا شریعت اسلام مجموعه ای از احکام و قواعدی است که شامل حدود، مجازات ها، قضاوت بر اساس احکام اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر است که فرد نمی تواند بدون وجود هیات حاکمه ای آنها را به اجرا درآورده و در جامعه رواج دهد.

نظارت رهبری بر نظام اسلامی در حکومت علوی

امام علی (ع) در حکومت خود، علاوه بر شیوه هایی که ذکر خواهد شد برای اطمینان از صحت کارکرد کارگزاران حکومتی و وضع مردم تا آنجا که امکان داشت مستقیماً وارد بازار و مجامع می شد تا اوضاع مردم را از نزدیک ببیند.¹ در منابع، نظارت مستقیم امام آمده است و همچنین ایشان حکمرانان و استانداران خود را نیز بدین شیوه سفارش می کرد. در فرمایشی از ایشان به مالک اشتر آمده است: «شخصی را به جای خود جانشین قرار بده و خود به همراه گروهی از یارانت تمام سرزمین سواد عراق را منطقه به منطقه بگردید و از چگونگی رفتار و اعمال کارگزاران جويا شوید و سیره آنان را مورد رسیدگی و پیگیری قرار دهید.»²

نظارت رهبری بر نظام اسلامی در جمهوری اسلامی ایران:

طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت هستند و بالاترین و قوی ترین سازو کار تحدید قدرت زمامداران اجرایی، تحقیقی و قضایی و نظارت بر آنان بر عهده رهبری است. همچنین در اصل ۱۱۰ ق.ا بخشی از وظایف نظارتی رهبری را بیان می کند از جمله: «نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام» و همچنین در اصل ۱۱۳ ق.ا رهبری در رأس هرم حکمیت قرار داده شده است.³

۱- رک ب: مصطفی دلشاد تهرانی، ارباب امانت، تهران، دریا ۱۳۷۹، ص ۱۶۹ / احمد بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، الاعلی، ص ۱۲۹

۲- سید شهاب الدین مرعشی، تعایق احقاق الحق، ج ۸، قم، کتابخانه مرعشی، بی تا، ص ۵۶۳

۳- رک به اخوان کاظمی بهرام، نظارت بیرونی در نظام اسلامی، حکومت اسلامی، سال نهم، شماره سوم ص ۱۳۳

رهبری در نظام اسلامی ضامن عدم انحراف سازمان های مختلف از وظایف خود است.^۱

بخشی از وظایف و مسئولیت های قوی مجریه، طبق اصل ۶۰ قانون اساسی، مستقیماً بر عهده ی رهبر است همچنین در مورد وظایفی که رهبری به طور غیر مستقیم، وسیله ای برای اعمال نظارتهای مستمر دارد می توان بر اصل یکصد و دهم قانون اساسی، بند دوم، هفتم و هشتم اشاره کرد: نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه، حل معضلاتی که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام. علاوه بر قوای سه گانه، رهبری بر نهادهایی دیگر نیز نظارت دارد؛^۲ مانند نظارت بر بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی مانند، بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی (ره) سازمان تبلیغات اسلامی و... همچنین می توان به نظارت رهبری بر شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحتی نظام و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. حال پس از آنکه نظارت مردم و رهبری در حکومت پیامبر (ص) و امام علی (ع) توضیح داده شد، در این قسمت از این نوشته، نهادهایی که در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارند و به گونه ای نقش نظارتی ایفا می کنند ذکر می شود تا به این بعد از نظارت هم توجه شود.

ج - نظارت نهادهای حکومتی در نظام جمهوری اسلامی ایران:

۱. نظارت مجلس خبرگان بر رهبر

مجلس خبرگان که متشکل از فقهای منتخب مردم است وظیفه نصب و عزل و نظارت بر رهبر را بر عهده دارد. اصل ۱۱۱ قانون اساسی این وظایف را اینگونه بیان کرده است. «هرگاه رهبر از انجام وظائف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم می گردد و یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام خود بر کنار می شود تشخیص این امر بر عهده ی خبرگان مذکور در اصل یکصد و هفتم می باشد».

مجلس خبرگان برای اجرای اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، هیئتی را از میان خود مرکب از هفت نفر انتخاب می کند، این هیئت موظف است هرگونه اطلاع لازم را در رابطه با اصل یکصد و یازدهم در محدوده ی قوانین و موازین

۱- مقدمه قانون اساسی، مبحث ولایت فقیه عادل

۲- نظارت در نظام اسلامی، همان، ص ۱۶۳

شرعی تحصیل نماید و موظف است با هماهنگی مقام رهبری به تشکیلات اداری آن مقام توجه داشته باشد و در جلوگیری از دخالت عناصر نامطلوب در تشکیلات مذکور به آن مقام مساعد نماید.

۲- نظارت مجلس بر قوه مجریه :

اصل ۶۷ قانون اساسی بیان می دارد که مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. بر این اساس مجلس، حق نظارت مستمر بر اجرای قوانین را دارد. باید توجه داشت که اساساً فعالیت و اعتبار مجلس شورای اسلامی تا حد زیادی به اعمال نظارت در اجرای قوانین بستگی دارد. نظارت مجلس به طرق مختلف اعمال می شود :

۱- نظارت کلان بر هیات دولت :

این نظارت مراحل و روشهای مختلفی دارد، مثل تسلیم کردن برنامه دولت توسط رئیس جمهور به نمایندگان، گرفتن رای اعتماد برای وزیران و هیئت دولت و همچنین حق سوال و استیضاح از وزیران و رئیس جمهور

۲- نظارت بر حسن اجرای قوانین :

اولین فلسفه ی تشکیل پارلمان، نظارت بوده است که با همین هدف در تمامی نظام ها گسترش یافت و بعدها وظیفه قانونگذاری هم بر وظایف آن افزوده شد. هم اکنون نیز یکی از مهمترین وظایف پارلمان، نظارت بر اجرای قوانینی است که تصویب کرده است دولت در صورت اجرای ناقص یا عدم اجرای قوانین باید پاسخگو باشد و نمایندگان می توانند از طرق قانونی دولت را مورد پرسش قرار دهند.

نظارت شورای نگهبان:

شورای نگهبان نظارت بر مصوبات مجلس را از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی و اسلامی را بر عهده دارد. یکی دیگر از مهمترین ابعاد نظارتی شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات است و به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

نقش نظارتی قوه قضائیه :

قوه قضائیه هم به عنوان یکی از قوای سه گانه در جمهوری اسلامی ایران نقش نظارتی خود را به روشهای زیر ایفا می کند :

۱. از طریق سازمان بازرسی کل کشور:

از اهم وظایف قوه قضائیه نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری و اجرایی و قضایی کشور است علاوه بر دیوان عالی کشور که مامور نظارت بر اجرای قوانین در محاکم قضایی است ، سازمان بازرسی کل کشور، جهت بازرسی و نظارت بر نظام اداری کشور در اصل ۱۷۴ ق. ۱ در نظر گرفته شده است، این اصل تصریح می کند : «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند». وظایف اساسی سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر می باشد^۱:

یک . بازرسی مستمر : کلیه وزارتخانه ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و موسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمانهایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنها متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء در آنها نظارت یا کمک می کند سازمانهایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنهاست بر اساس برنامه منظم مورد نظارت این سازمان قرار می گیرند.

دو انجام بازرسی های فوق العاده که حسب الامر مقام رهبری و یا به دستور رئیس جمهور رئیس قوه قضائیه و یا به درخواست کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس ، . . . انجام می گیرد نوع سوم بازرسی، بازرسی موردی است که در رسیدگی به شکایات و اعلامهای مردمی انجام می گیرد

۱- اهداف ، وظایف و تشکیلات تفصیلی سازمان بازرسی کل کشور ، مصوب دی ماه ۱۳۷۵ ، ص ۱

۲. نظارت از طریق دیوان عدالت اداری:

یکی دیگر از شیوه های نظارت غیر مستقیم قوه قضائیه بر قوه مجریه و سایر نهادهای جمهوری اسلامی، نظارت دیوان عدالت اداری است که در ابطال آئین نامه ها و بخشنامه های دولتی و آن هم در صورت شکایت شاکی محدود می شود. اصل یکصد و هفتاد قانون اساسی ابطال آئین نامه ها و تصویب نامه ها را منحصرأً وظیفه ی دیوان عدالت اداری می داند.

۳- نظارت درونی در قوه قضائیه :

دیوان عالی کشور یکی از مراجع قضایی است که طبق اصل ۱۶۱ قانون اساسی « . . به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد و حدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند تشکیل می گردد.»

نظارت قوه مجریه :

علاوه بر نظارتهای ذکر شده بر این قوه، از جمله، نظارت رهبری، قوه مقننه و قوه قضائیه بر قوه مجریه خود این قوه نیز سازو کارهایی برای نظارت بر سازمانها و کارمندان تحت امر خود دارد در نظام اداری ایران نظارت سلسله مراتبی وجود دارد یعنی رئیس جمهور بر کار وزیران و هیات وزرا و هر یک از وزیران و روسای سازمانها بر کار افراد تحت نظر خود، نظارت دارد و در تمام این موارد افراد در انجام وظایف خود باید پاسخگوی مقامات بالاتر باشد و مقامات بالاتر مسئولیت کارها و وظایف افراد تحت امر خود را بر عهد دارند و باید پاسخگوی رفتارها و اعمال آنها در برابر مقامات ذی صلاح باشند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
 - ۲- نهج البلاغه ، صبحی
 - ۳- صحیفه ی نور ، ج ۴، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
 - ۴- عمید زنجانی عباسعلی ، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، انتشارات مجد،
 - ۵- ابن اعثم کوفی ، فتوح ، ج ۵ ، الاعلامی
 - ۶- کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول الکافی ، بیروت ، دارالتعارف المطبوعات ، ج ۵
 - ۷- میرزا علی احمد میانجی ، لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی ، قم نشر برگزیده
 - ۸- ابن الاثیر ، اسدالغابه ، ج ۲ ، بیروت دارا حياء التراث العربی
 - ۹- ایمانی عباس و قطمیری امیررضا، قانون اساسی در نظام حقوق ایران، انتشارات نامه هستی (۱۳۸۸)
 - ۱۰- مصطفی دلشاد تهرانی، ارباب امانت، تهران، دریا ۱۳۷۹ ،
 - ۱۱- سید شهاب الدین مرعشی ، تعایق احقاق الحق ، ج ۸ ، قم ، کتابخانه مرعشی ، بی تا
 - ۱۲- احمد بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، الاعلی،
 - ۱۳- طباطبایی مومنی ، آزادیهای عمومی و حقوقی بشر
 - ۱۴- اهداف ، وظایف و تشکیلات تفصیلی سازمان بازرسی کل کشور ، مصوب دی ماه ۱۳۷۵ ،
 - ۱۵- اخوان کاظمی بهرام ، نظارت بیرونی در نظام های سیاسی ، ، حکومت اسلامی سال نهم ، شماره سوم
 - ۱۶- علیخانی علی اکبر ، نظارت بر نظام جمهوری اسلامی ایران ، ، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)
- شماره ۲۳ پاییز ۱۳۸۳